مهم‌ترین ۵۰-۵۰ تاریخ!

داستان «واقعی» صعود

یادداشت

امیرعباس واسعی

۱- این داستان واقعی صعود است. از آن داستان‌ها که همیشه در دل مردم می‌ماند، نه آنها که در کتاب‌ها و بولتن‌های رسمی می‌نویسند! داستان یک صعود یک نام تکراری است، کتابی که معمولاً مسئولان به‌عنوان حاصل عملکرد و در دل بولتن کاری خود می‌نویسند. اما آنچه در دل مردم و علاقه‌مندان باقی می‌ماند گاه کیلومترها با خواست مسئولان تفاوت دارد؛ یک واقعیت از دو منظر متفاوت! پس این تیتر، شما را به اشتباه نیندازد.

۲- آمار، بهترین قاضی است، خالی از عواطف انسانی که تحت تأثیر احساسات قضاوت نمی‌کند. کاری با دوستی و دشمنی ندارد؛ اما از آمار می‌توان برای عدد بازی هم استفاده کرد! پس از ۹ دوره عمر جامی که به افتخار مؤسس فرانسوی «ژول ریمه» نام گرفت و طبق قانونی که روز اول همه قبول کردند که هر تیمی پس از سه بار قهرمانی مالک همیشگی آن است، فیفا تصمیم به برگزاری جامی جدید گرفت. در دهمین دوره از عمر جام جهانی و این دهمین دوره، نخستین تلاش یک کشور برای حضور در بزرگترین ویترین جهانی فوتبال بود. ویترینی که خیلی زود تبدیل به بزرگترین نمایشگاه بشری شد و امروز آن کشور کارنامه‌ای از ۱۰ تلاش دارد! و اینجا اصطلاح مشهور ۵۰-۵۰ وارد این پرونده مهم می‌شود! آن کشور در نیمی از تلاش‌هایش شاهد موفقیت را در آغوش کشید و صعود کرد و در نیم دیگر دستش از آن ویترین جهانی کوتاه ماند.

۳- این پرونده تنها یک خاطره‌بازی ساده است. هیچ سیاستی پشت آن نیست. قرار نیست کسی را بالا یا پایین ببرد. تنها نگاهی ورزشی است به یک واقعه ورزشی و در نهایت مرور خاطرات نسل‌های گوناگون از غم‌ها و شادی‌هایشان. حال اگر در آستانه پایان «یازدهمین» تلاش - که امیدواریم کفه ترازوی آن پنجاه - پنجاه را به سمت موفقیت سنگین کند - این خاطره بازی و این نام‌ها کمکی به نسل فعلی هم کرد که چه بهتر! اما فراموش نکنید که مخاطب این داستان فقط شما مردم هستید.

گام اول: تجربه بزرگ

1974

جام جهانی فوتبال از ۱۹۳۰ با تلاش ژول ریمه رئیس وقت فرانسوی فیفا آغاز شد. در سال ۱۹۷۰ برزیل و ایتالیا به فینال رسیدند و این به معنی پایان افسانه ژول ریمه بود، چراکه طبق توافق قبلی هر تیمی که ۳ بار قهرمان آن جام می‌شد، برای همیشه صاحبش می‌شد.

به این ترتیب از دهمین دوره - یعنی ۱۹۷۴ - فیفا جام خود موسوم به فیفا را جایگزین جام ژول ریمه کرد. پنج کیلو طلای ناب به ارزش ۲۰ میلیون دلار که البته اعتبارش قابل اندازه‌گیری نیست!



در ۱۹۷۴ جام جهانی با ۱۶ تیم برگزار می‌شد و سهمیه دو قاره آسیا و اقیانوسیه تنها یک تیم بود. تا آن زمان تنها سه کشور آسیایی سابقه حضور در معتبرترین تورنمنت فوتبال جهان را داشتند؛ کره جنوبی ۱۹۵۴، کره شمالی ۱۹۶۶ و رژیم اشغالگر قدس ۱۹۷۰ (البته اندونزی فعلی با نام هند شرقی زمانی که مستعمره بود در جام جهانی ۱۹۳۸ یک بازی انجام داد)

امتیاز میزبانی در قدم اول

۱۲ کشور از دو قاره آسیا و اقیانوسیه برای حضور در جام جهانی و کسب تنها بلیت آلمان غربی ثبت‌نام کردند.

در گام نخست آنها به دو گروه A و B تقسیم شدند.

در گروه A کره جنوبی، مالزی، تایلند و رژیم اشغالگر قدس حضور داشتند که دیدار هایشان در سئول پایتخت کره انجام شد.

بعد مسافت در قاره آسیا و بضاعت مالی پایین کشورها در آن سال‌ها باعث می‌شد فیفا و AFC مسابقات رفت و برگشتی را نیز به صورت مجتمع در یک کشور برگزار کنند و به طور طبیعی کشوری که از لابی بهتر و اعتبار جهانی بالاتر برخوردار بود - یعنی درست مثل همین امروز! - میزبان می‌شد.

گروه B اما خود به دو زیر گروه تقسیم شد؛ استرالیا، اندونزی، عراق و نیوزیلند که در استرالیا بازی کردند و ایران، سوریه، کره شمالی و کویت که در تهران به مصاف هم رفتند.

یاد بزرگان

محمود بیاتی سرمربی وقت تیم ملی به همراه دستیارانش، محمد بیاتی و جورج اسکینر (بعد هامک لنان هم اضافه شد) از اسفند ۱۳۵۱ بازیکنان مورد نظر خود را به اردو بردند و سرانجام ۲۱ نفر برای استارت مسابقات در نخستین تجربه انتخاب شدند.

تجربه‌ای که از ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۲ تا دوم شهریور همان سال، کمتر از ۵ ماه به طول انجامید اما آنقدر بزرگ بود که سنگ بنای تاریخ فوتبال ما را گذاشت. در میان آن ۲۱ نفر نام‌هایی چون ناصر حجازی، جعفر کاشانی و ابراهیم آشتیانی دیده می‌شد که حالا دیگر در میان ما نیستند.

یا بازیکنانی همچون عباس نوین روزگار، ناصر سلیمی، قاسم طبیبی یا غلام وفاخواه که نسل‌های بعدی کمتر از آنها می‌دانند.

و البته در کنار اسطوره‌هایی ماندگار همچون پرویز قلیچ خانی، علی جباری، علی پروین، اصغر شرفی و محمد صادقی.

کارنامه قبولی

جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۲ تیم ملی ایران برای اولین بار در مسیر رسیدن به جام جهانی گام به میدان گذاشت. در حضور ۷۰ هزار تماشاگر در ورزشگاه آزادی دیدار رفت از دور اول زیر گروه غرب آسیا برگزار شد.

آن روز منصور رشیدی درون دروازه بود، ابراهیم آشتیانی و اکبر کارگر جم دفاع راست و چپ، جعفر کاشانی و پرویز قلیچ خانی در قلب دفاع، علی پروین هافبک راست، علی جباری هافبک چپ و کاروحق وردیان هافبک میانی، مسعود مژدهی و اصغر شرفی گوش راست و چپ و حسین کلانی تک مهاجم ما در سیستم ۳-۳-۴ محمود بیاتی بودند. غلام وفاخواه هم دقیقه ۷۰ به میدان آمد.

در نخستین تجربه، ایران مقابل کره شمالی به تساوی بدون گل رسید. پرویز قلیچ خانی اولین کاپیتان ایران در مقدماتی جام جهانی بود. اولین گل ایران را غلام وفاخواه در بازی دوم مقابل کویت زد؛ در جریان اولین پیروزی با نتیجه ۲-۱ در ورزشگاه پیر امجدیه.

مسابقات رفت و برگشت - بجز بازی اول - در همین امجدیه برگزار و ایران از ۶ بازی صاحب ۴ پیروزی، یک تساوی و یک باخت شد و از این زیر گروه صعود کرد.

درس اول

ایران این مسابقات را با تساوی آغاز و با شکست به پایان برد، دو درس بزرگ!

اگر اولی را به حساب کم تجربگی بازیکنان و ناشناخته بودن کره شمالی بگذاریم، دومی که شکست یک بر صفر برابر سوریه بود حتی تا همین امروز نیز نوبرانه باقی مانده و دلیلی جز غرور نداشت.

البته صعود ایران پس از بازی پنجم و پیروزی دو بر صفر برابر کویت مسجل شده و دیدار آخر تشریفاتی بود اما حتی در غیاب برخی بازیکنان اصلی نیز اگر غرور نداشتیم به سوریه نمی‌باختیم.

متأسفانه در آن زمان از این درس بزرگ تجربه لازم را نگرفتیم...

سفر سرنوشت

ایران از زیر گروه خود بالا آمد، از زیر گروه دیگر (گروه B) نیز استرالیا صعود کرد.

حالا دو بازی رفت و برگشت میان دو کشور، تکلیف قهرمان گروه B را مشخص می‌کرد تا به مصاف کره جنوبی به‌عنوان قهرمان گروه A برود.

آن زمان ایران آنقدر نفوذ داشت که در دیپلماسی ورزشی بازی برگشت به تهران بیفتد تا فرصت برای جبران هر احتمالی باشد اما با وجود دو اندیشی فدراسیون، کادر فنی اشتباه بزرگی کرد... تیم ملی پس از اردوی دو هفته‌ای، دو هفته زودتر عازم اقیانوسیه شد و با توجیه شناخت از استرالیا دو دیدار دوستانه مقابل نیوزیلند و منتخب شهر کاونتری برگزار کرد؛ دو اشتباه بزرگ...

اول اینکه بازیکنان احساساتی و آماتور ایران طاقت دوری دراز مدت از خانواده‌هایشان را نداشتند و از نظر روحی افت کردند و دوم اینکه با یک مأموریت ساده، بازیکنان تیم کاونتری، ستاره بزرگ فوتبال ایران علی پروین و دو بازیکن اصلی ما را جوری زدند که بازی با استرالیا را از دست دادند.

کامبک تلخ

ایران ۲۷ مرداد بازی رفت را در سیدنی با سه گل به استرالیا باخت.

برای بازی برگشت، جمعه ۲ شهریور ۵۲ همه ایران متحد شدند تا به قول امروزی‌ها کامبک بزنیم. علی پروین را به هر زحمتی که بود رساندند. هفتاد هزار نفر در آزادی جمع شدند و مسابقه برای نخستین بار در داخل کشور به صورت زنده از تلویزیون پخش شد. ایران در همان نیمه نخست دو بار توسط پرویز قلیچ خانی به گل رسید اما متأسفانه ۴۵ دقیقه دوم هر چه زدیم به دربسته خورد و استرالیا که باید پنج یا شش گل می‌خورد، با خوش اقبالی از آن بازی فرار کرد تا پرونده نخستین تجربه ایران برای حضور در جام جهانی با ناکامی بسته شود.

استرالیا در دو دیدار بعدی کره جنوبی را هم برد و به جام جهانی رفت.



نادر محمدخانی
بازیکن تیم ملی ۱۹۹۸



نعیم سعداوی
بازیکن تیم ملی ۱۹۹۸



نیما نکیسا
بازیکن تیم ملی ۱۹۹۸